

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: الکساندر سوارانک
برگردان: م. قربانی
۱۶ دسمبر ۲۰۲۳

کشورهای گروه ۷ به دنبال ایجاد جایگزینی برای ابرپروژه «یک کمربند، یک جاده» چین!



در آخرین اجلاس کشورهای گروه ۷ در هیروشیما، ژاپن، آمریکا، کانادا، بریتانیا و اتحادیه اروپایی بار دیگر بسته تحریمی جدیدی علیه روسیه، به عبارت دقیق‌تر یازدهمین بسته تحریمی خود را، به تصویب رساندند. این بسته شامل ۹۰ شرکت از سراسر دنیا می‌شود که به نظر بروکسل، ظاهراً اقدامات محدود کننده را نقض کرده اند و به عرضه کالاهای تحریم شده روسیه ادامه می‌دهند (از جمله شرکت‌هایی در ارمنستان، ایران، امارات متحده عربی، سوریه و غیره). در عین حال، هشت شرکت از این ۹۰ شرکت در چین به فعالیت مشغول اند.

در این مورد، رئیس کمیسیون اروپا، اورسولا فُن در لاین، در مصاحبه‌ای با تلویزیون المانی زد دی اف، در اشاره به چین (که برای نخستین بار شرکت‌هایش پس از آغاز بحران نظامی و سیاسی روسیه-اوکراین تحریم شده اند)، بر نیاز به ایجاد جایگزینی برای اَبَر پروژه یک کمربند، یک جاده چین تأکید کرد.

همان‌طور که می‌دانید، با توجه به جهش در اقتصاد چین در آغاز قرن ۲۱، شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین برای نخستین بار در سال ۲۰۱۳ پروژه بین‌المللی یک کمربند، یک جاده را به عنوان احیای راه ابریشم نوین پیشنهاد کرد. ماهیت ابتکار چین افزایش بازرگانی چند جانبه و پروژه‌های سرمایه‌گذاری با مشارکت کشورهای پیش‌تر و استفاده از سرمایه چینی و خارجی است. طی ده سال گذشته ۱۵۲ کشور و بیش از ۳۰ سازمان بین‌المللی به این پروژه پیوسته اند. طبیعتاً، چنین ابتکاراتی در خلاء به وجود نمی‌آیند و منافع ستراتیژیک کشور مبتکر را دنبال می‌کنند. از این‌رو، دینامیسم توسعه اقتصادی (در درجه اول، تکنولوژی تولید صنعتی پیشرفته) و جمعیت فراوان چین شرایط عینی برای صادرات کالاهای چینی به بازارهای جهانی، رشد تولید ناخالص ملی، تقویت یوآن، ارز ملی چین، و دسترسی نظام‌مند به بازارهای جدید و منطقه‌ای (کشورها) را فراهم آورد.

با در نظر گرفتن فاصله جغرافیایی و نیاز واقعی به مدرن‌سازی حمل‌ونقل (به ویژه ارتباطات بازرگانی زمینی-جاده‌ای و ریلی)، همچنین با توجه به فرصت‌های مالی فراوان بازار اروپایی، چین بر پروژه‌های جدید توسعه چند جانبه (در وهله اول، بازرگانی و سرمایه‌گذاری) در مناسبات با کشورهای مختلف و ارتباطات بازرگانی جایگزین در ابتکار یک کمربند و یک جاده، تأکید دارد.

از میان راه‌های جایگزین بین‌المللی به سوی به غرب، چین هم‌اکنون سه گزینه را طراحی کرده است:

۱- «کریدور روسیه»، که از سرزمین روسیه عبور کرده به اروپا می‌رسد (اما اکنون به دلایل آشکار تحریم‌های ضد روسی، این راه به سوی کشورهای اروپایی ممکن است موقتاً به تعویق بیفتد)؛

۲- «کریدور میانی»، (که به طور مشروط «کریدور تورانی» نیز نامیده می‌شود، چون کشورهای ذینفع در آن عمدتاً شامل جهان ثرکزبان یا کشورهای عضو سازمان کشورهای ترک می‌شود)، از مسیر پاکستان، کشورهای شوروی سابق در آسیای میانه، بحیره کاسپین، آذربایجان، گرجستان (احتمالاً ارمنستان و کریدور زنگزور)، و ترکیه به اروپا می‌رسد؛

۳- «کریدور ایران-ترکیه»، که شامل کشورهای پسا شوروی آسیای میانه، ایران، ترکیه و اروپا می‌شود. اکنون هیچ اتصال جغرافیایی زمینی از چین به اروپا وجود ندارد. بیجینگ تلاش می‌کند با استفاده از قدرت مالی، اقتصادی و نظامی-سیاسی خود و جذب همه گزینه‌ها وارد بازارهای اروپایی شود. گزینه آخر، رشد جدیدی از گردش بازرگانی و رشد تولید ناخالص ملی، برتری آن بر دیگر مناطق مسیر به اروپا (نسبت به کشورهای ضعیف و کوچک) و تقویت مشارکت با بازیگران بزرگ‌تر (به ویژه روسیه، ایران و ترکیه) را نوید می‌دهد.

در پایان سال ۲۰۲۲، گردش تجاری چین با آمریکا و اتحادیه اروپایی به رقم رکورد شکن ۱.۶ تریلیون دلار رسید. به طور مشخص، تجارت چین و آمریکا به ۷۶۰ میلیارد دلار و تجارت چین با اتحادیه اروپایی به ۸۴۷ میلیارد دلار رسید. و این هنگامی رخ داد که جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا، ظاهراً به خاطر موضوعات بحث‌برانگیزی در باره سرنوشت تایوان و همچنین به خاطر رقابت شدید (به ویژه در عرصه تکنولوژی) با جمهوری خلق چین، سیاست فشار بر بیجینگ را دنبال کرده است. برای مثال، در ماه جون ۲۰۲۱ واشینگتن سرمایه‌گذاری در شرکت‌های تکنولوژی چینی را ممنوع اعلام کرد و در نومبر همان سال بایدن قانون ممنوعیت استفاده از تجهیزات شرکت‌های عظیم «هوای» و «زی تی ای» را امضاء کرد.

با این وجود، سال پیش شاهد رشد مستمر بازرگانی چین با آمریکا و اتحادیه اروپایی بودیم. همزمان، تراز صادرات و واردات به سود چین رقم خورد. مشخصاً، چین کالاهای بیش‌تری به غرب می‌فروشد (واردات کالاهای آمریکا از چین به ارزش ۵۶۷.۳ میلیارد دلار، و ارزش واردات کالاهای اتحادیه اروپایی از چین ۵۶۲ میلیارد دلار) بیش‌تر از خرید از آن‌ها بود (واردات آمریکا ۴۰۸ میلیارد دلار و واردات اتحادیه اروپایی ۲۸۵.۴ میلیارد دلار). همزمان، فروش بخش خدمات آمریکا و اتحادیه اروپایی به چین بیش‌تر از فروش بخش خدمات چین به آن‌ها بود.

علی‌رغم یک چنین ترقی پویایی در گردش بازرگانی، غرب جمعی (به فرمان واشینگتن) در ماه مه ۲۰۲۳ پس از اجلاس گروه ۷ در هیروشیما دست به تحریم‌های واقعی می‌زند تا چین را مهار کند. به همین دلیل وزیر خارجه روسیه، سرگئی لاوروف در سی و یکمین مجمع شورای سیاست خارجی و دفاعی، این رویکرد کشورهای گروه ۷ در مقابل چین را «سیاست مهار مضاعف روسیه و چین»، توصیف می‌کند.

بنا بر این، رهبران کشورهای غربی نه بر مبنای اهداف منافع اقتصادی، که این مورد به حمایت از ابر پروژه یک جاده، یک کمربند مربوط است، بلکه با گرایش‌ها و انگیزه‌های ژئوپلیتیک تخیلی هژمونی آمریکا و برتری غرب در برابر بقیه جهان، آن‌را هدایت می‌کنند.

غرب جمعی چه درکی از جایگزین طرح یک کمربند و یک جاده چین دارد؟ برخی کارشناسان تصور می‌کنند آنچه اوسولا فن در لاین به عنوان یک گزینه جغرافیایی و اقتصادی چین می‌بیند آفریقا است، آفریقای که پیش از این اکثراً مستعمرات اروپایی‌ها بوده (مثلاً، فرانسه، پرتغال، اسپانیا، انگلستان، ایتالیا و المان) و اکنون مستعمره‌های نوین اتحادیه اروپایی هستند. بروکسل گمان می‌کند دورانی که آفریقا به عنوان زاینده مواد خام برای دنیای خارج شناخته می‌شد به سر آمده است و قرار است با آینده‌ای مترقی‌تر مبتنی بر تولیدات کالاهایی با تکنولوژی پیشرفته و رقابتی جایگزین شود. به عبارت دیگر، سرمایه‌گذاری و تکنولوژی اروپایی می‌تواند از چین دور به آفریقای از نظر جغرافیایی نسبتاً نزدیک‌تر انتقال یابد و هزینه‌های حمل‌ونقل و ارتباطات را به حداقل کاهش دهد. در عین حال، ایالات متحده به دنبال گزینش هندوستان، همسایه و رقیب چین، به مثابه مرکز جدید حمایت آسیایی‌اش برای صادرات تکنولوژی و سرمایه‌گذاری است.

تصمیم بر ایجاد «آلترناتیو هندی» به جای جاده ابریشم چینی تنها از جهت ویژگی‌های جغرافیایی، تمدن هند و اروپایی، تراز جمعیتی میان دهلی نو و بیجینگ نبوده است، بلکه اشتیاق به محدود کردن ارتباطات زمینی جایگزین برای چین با دنیای خارج (عمدتاً اروپا) نیز در آن دخیل بوده است. تحرکات سرمایه‌گذاری و تقویت تکنولوژی آمریکا، کانادا، انگلستان و اتحادیه اروپایی در اقتصاد هندوستان و آفریقا نشانه تغییرات جدید در سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی است. اگر بیجینگ استقلال خود را حفظ کند و در موارد تایوان و روسیه سازش نکند، بعید به نظر می‌رسد که آمریکا در مورد ارتباطات چین به اتحادیه اروپایی «چراغ سبز» نشان دهد. چین وارث تمدنی باستانی‌ست، نقش مثبت و حیاتی روسیه شوروی را در سرنوشت خود فراموش نمی‌کند و نمی‌تواند اعتبار خود را برای ارضای جاه‌طلبی رییس‌جمهور آمریکا، جو بایدن، خدشه‌دار سازد.

اما، آیا آمریکا و کشورهای اتحادیه اروپایی تابع آن قادر خواهند بود مسیر طبیعی تاریخ و اقتصاد جهانی را، که چین پیوسته مقام دوم آن‌را دارد، تغییر دهند؟ غرب جمعی چه مخالفتی می‌تواند با اقتصاد و اتحاد ائتلاف سیاسی نوین چین، روسیه، ایران، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، ترکیه و دیگران داشته باشد؟

این بدان معنا نیست که آمریکا و اتحادیه اروپایی قادر نیستند (خصوصاً برای «رشد» رقا در مقابل هند و کشورهای آفریقای برای به نبرد فرا خوان چین) مراکز جایگزینی در اقتصاد جهانی ایجاد کنند. واقعیت اخیر به گروهبندی مجدد

دولت‌های ضعیف متکی به مراکز جدید، ارتباطات، و مهم‌تر از همه فرامین امریکا کمک می‌کند. اما این مستلزم داشتن منابع و زمان قابل توجهی است. هرچند، اقدامات توطئه‌آمیز ممکن است برای غرب گران تمام شود. امریکا از رشد اقتصادی چین و این‌که ممکن است از امریکا پیشی بگیرد بیمناک است.

برای واشینگتن خالی از فایده نیست در نظر داشته باشد که مجتمع نظامی صنعتی، جایی که سهم روسیه بسیار قابل توجه است، نقش مهمی در تقویت چین و هندوستان بازی می‌کند. این‌که بسیاری از سلاح‌های مدرن و پیشرفته با تکنولوژی بالا و بازار جهانی تسلیحات به امریکا و روسیه تعلق دارد، راز پنهانی نیست. به همین نحو، دست‌آوردهای مجتمع صنایع نظامی ملی چین و هندوستان تا حدود زیادی با توسعه و همکاری و مشارکت تکنیکی نظامی روسیه (شوروی) با کشور ما مرتبط اند.

اقتصاد، پیش از هر چیز، باید بر مبنای قوانین اقتصادی (مشخصاً، قانون سود)، و نه تحت تأثیر شرایط سیاسی توسعه یابد. در عوض، روسیه مدرن، که یکی از پیشرفته‌ترین صنایع نظامی را داراست، اکنون به خاطر عملیات ویژه به تحریک اوکراین و اعمال تحریم‌های غرب، در وضعیتی قرار دارد که شدیداً به متنوع و مدرن‌سازی اقتصاد ملی نیازمند است؛ نه در حرف، بلکه در عمل. در واقع، این بحران می‌تواند به موهبتی واقعی تبدیل شود. روسیه با توجه به مجموعه منابع طبیعی جهانی و عدم وجود آن در رقبای خود، انسجام توان روشنفکری، علمی، تکنولوژیکی و تولیدی ملی خود را برای دستیابی به پیشرفت‌های غیر منتظره‌ای تقویت خواهد کرد.

برگرفته از: نیو ایسترن آوتلوک

منتشر شده در تاریخ: ۱ جون ۲۰۲۳